رویش روان شناسی، سال ۸ ، شماره۶، شماره پیاپی **۳۹** ، شهریور ۱۳۹۸
Rooyesh-e-Ravanshenasi, 8(6), 2019

میزان رعایت اصول روانشناختی در تدوین کتاب فارسی دوم ابتدایی از نظر معلمان زن

The Observance of Psychological Principles in the Compilation of the Farsi Second Elementary Book of Female Teachers

فاطمه احمدی دهرشید(نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
دکتر احمدرضا نصر اصفهانی
استاد دانشگاه اصفهان
دکتر احمد عابدی
استادیار، دانشگاه اصفهان

Fatemeh ahmadi *
M A in psychology, Isfahan University
Dr. Ahmadreza Nasr-Isfahani
Full Professor, Isfahan University
Dr Ahmad Abedi
Assistant Professor, Isfahan University

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی میزان رعایت اصول روانشناختی در کتاب فارسی دوم ابتدایی از نظر معلمان زن بود. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی- پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه معلمان زن پایه دوم ابتدایی در دو شهر اصفهان و تهران بودند که مجموع آن ۶۵۰ نفر بوده که ۲۶۰ نفر در نواحی ۵گانه اصفهان و ۳۹۰ نفر در مناطق۲۲گانه تهران بودند و براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند طبقه، در شهر اصفهان نواحی۲و ۳ و در شهر تهران مناطق۶، ۷، ۱۰و۱۱ برای انجام پژوهش انتخاب شدند. حجم نمونه براساس نواحی، در شهر اصفهان ۸۶ نفر و در شهر تهران ۹۷ نفر بوده است. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع-آوری شده است. روایی این پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ ۰/۹۳۷ به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزارSpss20 استفاده شده است. براساس یافته‌ها، بیشترین مقدار میانگین، مربوط به انطباق محتوا با شرایط سنی دانش‌آموزان با میانگین ۲/۵۰ و کمترین مقدار میانگین مربوط به بیان پیش سازماندهنده در ابتدای هر فصل با میانگین ۲/۰۷ و تناسب مطالب برای تقویت خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان با میانگین۲/۱۶ می‌باشد. همچنین میانگین کل جامعه آماری، ۲/۳۳ به دست آمده است و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده است بنابراین، با توجه به بالا بودن میانگین‌های نمونه از میانگین فرضی ۲/۲۵ و معنادار بودن آزمون‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای روانشناختی در کتاب فارسی دوم ابتدایی در سطح بالایی رعایت شده است.

واژه‌های کلیدی: اصول روانشناختی،کتاب فارسی، دوم ابتدایی.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the extent to which psychological principles were observed in the second primary school textbook for female teachers. This research was conducted using descriptive-survey method. The statistical population consisted of all female teachers in the second elementary school in Isfahan and Tehran, totaling 650 people, 260 in Isfahan and 390 in Isfahan regions of Tehran, and based on multi-class cluster sampling in Isfahan Regions 2, 3 and in Tehran, regions 6, 7, 10 and 11 were selected for research. The sample size was 86 in Isfahan and 97 in Tehran. Required data were collected through a researcher-made questionnaire. The validity of this questionnaire was determined by its content validity and its reliability was 0.837, using the Cronbach's alpha coefficient. For analyzing the data, descriptive and inferential statistics were used using Spss20 software. According to the findings, the highest average value was related to content matching with student's age with an average of 2.50 and the lowest average value related to the pre-organizer statement at the beginning of each chapter with an average of 2.77 and proportion of content to enhance creativity and innovation. Students with an average of 2.16 Also, the mean of the total population was 2.33 and was significant at the error level of 0.05. Therefore, given the high mean of the sample mean of 2.52 and the significance of the tests, we can conclude The psychological criteria in the Farsi II Secondary Book are considered to be high.

Keywords: psychological principles, textbook Persian , Second Elementary

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت :** آذر ۹۶ **پذیرش:** اردیبهشت ۹۷ **ویرایش نهایی** : مهر۹۸

مقدمه

دوره ابتدایی، دوره‌ای از تحصیل است که اساس دوره‌های بالاتر آموزشی و تجربیات قبلی دانش‌آموزان می‌باشد، این تجربیات، در صورتی که مرتبط با هم باشد، برانگیزنده، سودمند و موثر خواهد بود و یادگیری مادام العمر را به همراه خواهد داشت، پس بهتر است آموزش مفاهیم حتی به صورت بسیار اندک از این دوره آغاز شده و در دوره‌های بالاتر تکمیل شود. یکی از مهمترین عواملی که در مطالعات

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

دوره ابتدایی باید مورد توجه قرار گیرد، در نظر گرفتن اهداف آن دوره و همچنین نیازمندی‌ها، توانمندی‌ها و خصوصیات دانش‌آموزان و میزان انطباق آن خصوصیات با ویژگی‌ها و عناصر تعلیم و تربیتی مدرسه از قبیل معلم، پایه درسی، محتوای کتاب درسی و اهداف درسی می‌باشد (فتحی واجارگاه و آقازاده،۱۳۸۹). کتاب درسی مرجع رسمی مورد استناد برای تعیین محتوا و برنامه آموزشی بوده و راهنمای عمل برای کلیه کارگزاران آموزش و پرورش است (آون[۱] ۲۰۰۷: ۸). در واقع، کتاب‌های درسی، مهم‌ترین منابعی هستند که در اختیار عناصر برنامه درسی و معلمان مدارس قرار می‌گیرند و تمامی فعالیت‌های معلم نیز در قالب محتوای کتاب، با انگیزه ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار فراگیران وحدت می‌یابند (فیاض، ۱۳۸۷).

بسیاری از پژوهشگران کتاب درسی را به عنوان یکی از رسانه‌های کارآمد و اثر بخش آموزشی محسوب کرده‌اند که می‌تواند زمینه یادگیری و خودآموزی برای فراگیران فراهم نماید (نیک نفس و علی آبادی،۱۳۹۲: ۱۲۵). کتاب درسی باید از ویژگی‌هایی مانند جامعیت، تناسب با اهداف، تناسب با ویژگی‌های مخاطب، سودمند بودن برای فراگیران، پیوند اجزا و عناصر محتوا، ارتباط و هماهنگی با کتاب‌هایی که قبلا فراگیران خوانده‌اند یا بعدا خواهند خواند، انتخاب شیوه سازماندهی مناسب، ارائه سوال‌های پژوهشی و معرفی منابع بیشتر برخوردار باشد (حسن مرادی، ۱۳۹۳).

در حال حاضر، محتوای دروس معمولا به صورت متمرکز تنظیم و تالیف می‌شود. این کار توسط دفتر برنامه‌ریزی و تالیف وزارت آموزش و پرورش انجام می‌گیرد. در نظام آموزشی متمرکز، تمامی اختیارات مربوط به تدوین برنامه‌ها و اهداف آموزشی در دست نهاد آموزش و پرورش یک کشور قرار دارد، به گونه‌ای که برنامه‌های آموزشی برای تمام مدارس یک کشور به ویژه در سطوح ابتدایی و متوسطه به صورت مشابه و یکسان تهیه و تنظیم می‌شود و برای اجرا به مدارس ابلاغ می‌شود و مقتضیات اقلیمی، اجتماعی و اقتصادی مناطق نادیده گرفته می‌شود. ضمنا تحقیق، بررسی و تصمیم‌گیری درباره برنامه‌ها و مواد آموزشی، روش‌های تدریس و تالیف کتاب‌های درسی و حتی خط مشی‌های اجرایی و مقررات اداری و آموزشی از مسائلی است که معمولا متخصصان مربوط در سازمان‌های مرکزی کشور آن‌ها را به عهده دارند (فاطمی امین و فولادیان، ۱۳۸۸: ۱۰۵). همچنین یکی از فعالیت‌های مهم نظام آموزشی، بازنگری و روزآمد کردن محتوای کتاب‌های درسی است. بازنگری، اصلاح و تجدیدنظر اصولی و علمی در برنامه و محتوای کتاب‌های درسی، مستلزم توجه به نقش دانش‌آموزان در اجتماع است. امروزه، بسیاری از نظام‌های آموزشی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به موضوع چگونگی تهیه، تدوین و توزیع کتاب درسی مناسب برای مدارس روبه رو هستند. زیرا با تغییر و تحول نظام آموزشی کتاب‌های درسی مدارس نیز، تحول می‌یابند. در همین راستا، کار تهیه، تالیف و توزیع کتاب درسی مدارس دارای پیچیدگی‌های بسیاری است و همچنین یکی از اهداف اصلی دست‌اندرکاران نظام آموزشی هر کشوری، توسعه کیفی کتاب‌های درسی مدارس است. البته نحوه انجام این کار به بافت اجتماعی و فرهنگی آن کشور بستگی دارد (عابدی کرجی‌بان، ۱۳۹۳).

با توجه به بازنگری و روزآمد کردن کتاب‌های درسی، مساله اصلی در این پژوهش، بررسی اصول روانشناختی از نظر معلمان زن است که در کتاب فارسی دوم ابتدایی تا چه اندازه این اصل‌ها رعایت شده است و راهکارهایی در جهت ارتقای بهتر مطالب کتاب ارائه شود. علاوه بر این، پژوهش در نظر دارد که داده‌های به دست آمده بر مبنای متغیرهای جمعیت شناختی شامل: سابقه خدمت، رشته تحصیلی، محل خدمت و سطح تحصیلات را مقایسه کند. ابتدا در رابطه با کتاب فارسی دوم ابتدایی و جنبه‌های روانشناختی مطالبی ارائه می‌شود:

محتوای فارسی دوره ابتدایی: محتوای درس زبان آموزی به دو بخش مهارت‌های شفاهی زبان و مهارت‌های کتبی زبان تقسیم شده است که هر بخش در یک کتاب متمرکز است. کتاب بخوانیم شامل مهارت‌های شفاهی زبان و کتاب بنویسیم در بردارنده محتوای مرتبط با مهارت‌های کتبی زبان است (نوریان، ۱۳۸۹: ۵۸).

کتاب‌های بخوانیم دارای ۸ موضوع کلی است. نهادها، بهداشت، اخلاق فردی و اجتماعی، دانش و دانشمندان، دین و آموزه‌های دینی، مسائل ملی، میهنی، طبیعت و جلوه‌های آن، هنر و ادب که محتوای آن از سه بخش مفاهیم، مهارت‌های زبانی و فعالیت‌های ویژه به شرح زیر تشکیل شده است: الف) مفاهیم شامل: نکات دستوری و زبانی و واژگان، نکات نگارشی و رسم الخطی، نکات املایی، نکات ادبی، نکات دانشی، نکات ارزشی و نگرشی می‌باشد.

ب) مهارت‌های زبانی شامل گوش دادن و سخن گفتن، خواندن، نوشتن و واژگان است.

ج) فعالیت‌های ویژه: بازی، شعر، با هم بخندیم، روان خوانی، کتابخوانی، جدول، چیستان. (نوریان، ۱۳۸۹: ۵۸).

---

[۱] Own

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

طراحی در لغت به معنای تنظیم یک نظریه ذهنی و تهیه یک نقشه کاری برای رسیدن به آنچه از قبل تعیین شده است، می‌باشد. طراحی آموزشی را می‌توان پیش بینی رویدادها، روش‌ها و فعالیت‌های آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزشی از قبل تعیین شده دانست. زمانیکه جهت تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی، براساس ویژگی‌ها و توانمندی‌های فراگیران، محتوا، روش‌های یاددهی و ابزار آموزشی انتخاب می‌شود، کار طراحی در حال شکل‌گیری است (بهمئی و ملحانی، ۱۳۸۹: ۸). تالیف کتاب درسی مانند، ساختن هر چیزی ابتدا، نیازمند پیش‌بینی چگونگی ترکیب و اتصال قسمت‌های مختلف آن با یکدیگر و همچنین پیش‌بینی روش اجرای امور مختلف است.

ویژگی روانشناختی (psychological features): به نظرات روانشناسان رشد، روانشناسی یادگیری، روانشناسی کودک و روانشناسی تربیتی و کاربرد آن‌ها در برنامه‌ریزی درسی اشاره دارد. در واقع نظریات روانشناسی، در شناخت ویژگی دانش‌آموزان، تفاوت‌های فردی، تنظیم اهداف آموزشی، تناسب محتوا براساس تحولات رشد و نیازهای آن‌ها، چگونگی یادگیری موضوعات درسی و روش‌های تدریس بسیار راهگشاست (رون و معافی، ۳۳:۱۳۹۲).

یکی از وظایف اصلی نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه، فراهم کردن زمینه و فرصت‌های مناسب یادگیری به منظور رشد و شکوفایی استعدادهای گوناگون دانش‌آموزان است. این امر در دوره ابتدایی با عنایت به ویژگی‌های دانش‌آموزان این دوره که در سنین شکل‌گیری شخصیت می‌باشند، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند که نیازمند برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب آموزشی و پرورشی برای ایجاد نیازهای اساسی رشد همه جانبه در ابعاد جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی می‌باشد.

جنبه‌های روانشناختی در کتاب درسی: ۱) تعیین ویژگی‌های فراگیران: یکی از ضروری‌ترین اقدامات در تالیف کتاب درسی تعیین ویژگی‌ها، مشخصات، سطح دانش فراگیران در حوزه موضوع کتاب درسی و نیازهای آموزشی آنان است. مولف دقیقا باید بداند که کتاب را برای چه کسانی می‌نویسد؟ آنان چه سطحی از مطالب را قبلا آموخته‌اند و چه نیازهایی دارند؟ آیا رفتارهای ورودی و پایه برای یادگیری مطالب جدید را دارند؟ سایر دروسی که به طور همزمان با این ماده درسی به فراگیران عرضه می‌شود کدامند؟

۲) تناسب محتوا با سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان: علم چگونگی یادگیری انسان در طول قرن بیستم، افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است. پیچیدگی‌های یادگیری و تفاوت‌های فردی که میان یادگیرندگان وجود دارد، منجر به تدوین تئوری‌های یادگیری شده است. امروزه، طراحان و برنامه‌ریزان درسی و مولفان کتاب‌های درسی این اصول را مبنای کار خود قرار داده و از این تئوری‌ها در برنامه‌ریزی درسی و تدوین محتوا استفاده می‌کنند.

۳) پرورش مهارت‌های شناختی: کتاب درسی باید طیف وسیعی از مهارت‌ها مخصوصا مهارت‌های سطح بالا مانند تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی را شامل شود. از طبقه بندی بلوم نیز می‌توان برای ایجاد مهارت‌هایی که خواننده لازم است انجام دهد، استفاده کرد. کتاب درسی باید ذهن فراگیر را به چالش کشیده و مجبور کند، اطلاعات را تجزیه و تحلیل و ارزشیابی کند. اگر چه ممکن است چنین متنی برای یادگیرنده تا حدی مشکل باشد، اما در عین حال می‌تواند برای یادگیرنده ترغیب‌کننده و برانگیزاننده باشد (اولسون و هرگنهان، ۱۳۹۰).

۴) تقویت مهارت‌های فراشناختی: فراشناخت، دانش یا آگاهی فرد از نظام شناختی خود او یا دانستن درباره دانستن است. دانش فراشناختی فراگیر را یاری می‌دهد تا به هنگام یادگیری و دانستن امور، پیشرفت خود را در نظر بگیرد. همچنین این دانش به فراگیر کمک می‌کند که تا نتایج تلاش‌هایشان را ارزیابی و میزان تسلط خود را بر مطالبی که خوانده بسنجد (سیف،۱۳۹۲: ۴۸۸).

۵) ساختار دانش: در واقع، ساختار دانش (دیسیپلین) عامل مهمی در یادگیری موضوع‌های درسی است. رابطه ساختار دانش با یادگیری موثر سال‌هاست که مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. از این رو، برنامه‌های درسی مهارت‌های زبان به طور روز افزونی تحت تاثیر آگاهی‌های جدید درباره ساختار زبان و ادبیات فارسی است، برنامه ریاضی ابتدایی به جای توجه به جنبه‌های اجتماعی موضوع بر ساختار دانش ریاضی متمرکز شده است. به طور کلی توجه به فعالیت‌های فکری و عملی متنوع (مانند: ثبت کردن، طبقه بندی کردن، ساختن، تحلیل کردن، نتیجه گرفتن) خیلی کمتر شده است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان رعایت اصول طراحی روانشناختی در کتاب فارسی به منظور بهبود محتوای این کتاب‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سوالات می‌باشد: میزان رعایت حیطه روانشناختی در کتاب فارسی دوم ابتدایی از نظر معلمان زن شهرهای اصفهان و تهران به چه میزان بوده است؟

روش

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

این پژوهش، با توجه به طرح تحقیق از نوع توصیفی- پیمایشی و با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند، از نوع تحقیق‌های کاربردی می‌باشد. از این رو داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش، با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری بخش پرسشنامه، مشتمل بر کلیه معلمان زن پایه دوم ابتدایی در شهرهای اصفهان و تهران بودند که شامل۶۵۰ نفر است که۲۶۰ نفر در نواحی پنج‌گانه اصفهان و۳۹۰ نفر در مناطق بیست و دو گانه تهران بودند. براساس نمونه گیری خوشه‌ای چند طبقه، از میان نواحی پنج‌گانه اصفهان، ناحیه‌های دو و سه اصفهان و در تهران از میان مناطق بیست و دو گانه، منطقه‌های شش، هفت، ده و یازده جهت پوشش دهی به سطح‌های درآمدی متفاوت شهر انتخاب شده‌اند. براساس آمار،۱۱۰ نفر معلم از نواحی۲ و۳ اصفهان و۱۲۰نفر معلم از مناطق ۶،۷،۱۰و۱۱در شهر تهران بودند، سپس بر مبنای فرمول تعیین حجم نمونه کرجسی مورگان، ۸۶ نفر در شهراصفهان و ۹۷ نفر در شهر تهران، نمونه‌گیری شدند. بنابراین به میزان ۱۸۳ پرسشنامه در میان معلمان زن دوم ابتدایی در شهر اصفهان و تهران توزیع گردید. پرسشنامه کامل شده و برگشتی۱۷۱ بود، که تجزیه و تحلیل آماری بر داده‌های پرسشنامه انجام شد و ۹۳/۴۴ درصد نرخ برگشتی پرسشنامه‌ها بوده است. با توجه به اینکه پرسشنامه طراحی شده در واقع سه پرسشنامه بوده که به تفکیک به بررسی کتاب‌های درسی فارسی، علوم و ریاضی پرداخته است و به دلیل گستردگی، در پژوهش مربوطه فقط اطلاعات کتاب فارسی آورده شده است. به منظور تسهیل در پاسخ‌دهی و حصول نتیجه مطلوب، سوال‌ها به سبک مقیاس سه درجه‌ای لیکرت طراحی شده است. در این طیف، عدد ۳ بیان کننده بالاترین میزان و عدد ۱ بیان‌کننده پایین‌ترین میزان رعایت اصول روانشناختی در کتاب فارسی دوم ابتدایی است. برای تعیین میانگین فرضی در آزمون تی تک نمونه‌ای از میانگین ۲/۲۵ استفاده شده است زیرا بیانگر بالاتر از حد متوسط می‌باشد و همچنین اگر بر مبنای عدد بیست در نظر بگیریم میانگین ۲/۲۵ معادل با نمره ۱۴ می‌باشد که از حد متوسط بالاتر است. همچنین در کارهای پژوهشی دیگر، براساس ۵ گزینه‌ای بودن سوالات، میانگین فرضی را ۳ در نظر می گیرند که معادل با نمره ۱۵ است.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از روایی محتوایی استفاده شد که روایی پرسشنامه توسط ۷ نفر از اساتید علوم تربیتی و ۵ نفر از معلمان دوره ابتدایی سنجیده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرانباخ از طریق نرم افزارSpss استفاده شده است که نتایج آن آلفای کرانباخ ۰/۹۳۷ در حیطه روانشناختی می‌باشد.

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تجزیه و تحلیل یافته-های حاصل از پرسشنامه، در بخش توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش استنباطی از آزمون‌هایی نظیر تی تک نمونه‌ای، تی مستقل، تحلیل واریانس یک راهه استفاده شده است.

یافته ها

الف) داده‌های توصیفی: جدول۱، توزیع فراوانی و درصد پاسخ معلمان به حیطه روانشناختی را نشان می‌دهد.

جدول۱: توزیع فراوانی و درصد پاسخ معلمان به حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی

شماره	گویه‌ها	زیاد	متوسط	کم	تعداد کل	میانگین	انحراف معیار
۱	انطباق محتوا با شرایط سنی دانش‌آموزان	۹۶	۶۶	۹	۱۷۱	۲/۵۰	۰/۵۹
		۵۶/۱	۳۸/۶	۵/۳	۱۰۰		
۲	توجه به بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع یادگیری در دانش آموزان	۶۶	۸۹	۱۴	۱۶۹	۲/۳۰	۰/۶۱
		۳۹/۰	۵۲/۷	۸/۳	۱۰۰		
۳	تناسب مطالب با علایق دانش‌آموزان	۷۱	۸۳	۱۷	۱۷۱	۲/۳۱	۰/۶۴
		۴۱/۵	۴۸/۶	۹/۹	۱۰۰		
۴	تناسب مطالب برای تقویت خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان	۵۶	۸۸	۲۷	۱۷۱	۲/۱۶	۰/۶۷
		۳۲/۷	۵۱/۵	۱۵/۸	۱۰۰		
۵	قابلیت مطالب برای رشد و گسترش مهارت‌های تفکر در دانش‌آموزان	۷۱	۸۳	۱۶	۱۷۰	۲/۳۲	۰/۶۳
		۴۱/۸	۴۸/۸	۹/۴	۱۰۰		

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

۶	بیان پیش سازماندهنده (مقدمه کلی درباره مطالب) در ابتدای هر فصل	۵۳	۹۲	۲۵	۱۷۰	۲/۱۶	۰/۶۵
		۳۱/۲	۵۴/۱	۱۴/۷	۱۰۰		
۷	استفاده از مثال و نمونه برای توضیح مطالب	۷۵	۷۵	۱۸	۱۶۸	۲/۳۳	۰/۶۶
		۴۴/۶	۴۴/۷	۱۰/۷	۱۰۰		
۸	مفید بودن مطالب برای رشد همه جانبه و توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان	۶۹	۸۳	۱۸	۱۷۰	۲/۳۰	۰/۶۵
		۴۰/۶	۴۸/۸	۱۰/۶	۱۰۰		
کل:						۲/۳۰	۰/۴۴

نتایج جدول۱، نشان می‌دهد که بیشترین مقدار میانگین، مربوط به سوال یکم با میانگین ۲/۵۰ و کمترین مقدار میانگین مربوط به سوال چهارم با میانگین ۲/۱۶ و سوال ششم با میانگین ۲/۱۶ می‌باشد. میانگین کل حیطه روانشناختی کتاب فارسی ۲/۳۰ و انحراف معیار کل ۰/۴۴می‌باشد. همچنین بیشترین درصد فراوانی معلمان، مربوط به سوال یکم در گزینه زیاد با ۵۶/۱ درصد و کمترین درصد فراوانی، مربوط به سوال یکم در گزینه کم با ۵/۳ درصد می‌باشد.

ب) نتایج استنباطی: ۱) مقایسه میانگین حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی با میانگین فرضی (۲/۲۵).

جدول۲: مقایسه میانگین حیطه روانشناختی(۸ مورد) کتاب فارسی دوم ابتدایی با میانگین فرضی

برای معیارهای بعد روانشناختی در کتاب فارسی میانگین محاسبه شده از نظر معلمان شهر اصفهان ۲/۲۸، شهر تهران ۲/۳۶ و در نهایت کل جامعه آماری ۲/۳۰ می‌باشد، که میانگین‌های نمونه در هر سه بخش، بالاتر از میانگین فرضی است. همچنین، سطوح معناداری مشاهده شده در جدول، از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر بوده است. بنابراین، با توجه به بالا بودن میانگین‌های نمونه از میانگین فرضی و عدم معناداری آزمون‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای بعد ساختاری در کتاب فارسی دوم ابتدایی به میزان زیادی رعایت شده است.

۲) مقایسه پاسخ‌های افراد در حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی بر مبنای شهر محل خدمت.

جدول۳: تفاوت دیدگاه افراد با محل خدمت و رشته تحصیلی متفاوت در حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی

متغیر جمعیت شناختی	گروه	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین ها	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تعداد کل
محل خدمت	شهر اصفهان	۲/۲۸	۰/۴۷۶	-۰/۰۳	-۰/۴۹۷	۱۶۹	۰/۶۲۰	۱۷۱
	شهر تهران	۲/۳۱	۰/۴۲۲					
رشته تحصیلی	آموزش ابتدایی	۲/۲۹	۰/۴۴۰	-۰/۰۱	-۰/۱۰۹	۱۵۴	۰/۹۱۳	۱۵۶
	سایر رشته‌ها	۲/۳۰	۰/۴۶۵					

براساس نتایج جدول۳، سطح معناداری مشاهده شده در رابطه با محل خدمت و رشته تحصیلی ، از سطح خطا ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد. بنابراین، آزمون معنادار نیست؛ یعنی بین نظرات افراد از نظر شهر محل خدمت و رشته تحصیلی، درباره حیطه روانشناختی در کتاب فارسی تفاوت معناداری وجود ندارد و نظرات یکسان هستند. در نتیجه، شهر محل خدمت و رشته تحصیلی در نوع پاسخ دهی افراد به هر یک از گویه‌های حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی تاثیر نداشته است.

۳) پاسخ‌های افراد با سابقه کار متفاوت، درباره حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی.

جدول۴: بررسی تفاوت دیدگاه افراد با سابقه کار متفاوت، در حیطه روانشناختی کتاب فارسی

متغییر جمعیت شناختی	گروه	میانگین	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
سابقه کار	کمتر از ۵ سال	۲/۶۵	۰/۸۹۱	۴	۰/۲۲۳	۱/۱۱۳	۰/۳۵۲
	۵ تا ۱۰ سال	۲/۴۱					
	۱۱ تا ۱۵ سال	۲/۲۵					

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

	۱۶ تا ۲۰ سال	۲/۴۴					
	بالاتر از ۲۰ سال	۲/۲۷					
سطح تحصیلات	دیپلم	۲/۲۲	۰/۰۴۵	۳	۰/۰۱۵	۰/۰۷۳	۰/۹۷۴
	فوق دیپلم	۲/۳۰					
	کارشناسی	۲/۳۱					
	ک. ارشد	۲/۲۷					

براساس نتایج جدول۴، سطح معناداری مشاهده شده در کتاب فارسی، از سطح خطای ۰/۰۵ بزرگتر می‌باشد. بنابراین، آزمون معنادار نیست؛ یعنی بین نظرات افراد از نظر سابقه کار و سطح تحصیلات، درباره حیطه روانشناختی در کتاب فارسی تفاوت معناداری وجود ندارد و نظرات یکسان هستند. در نتیجه، سابقه کار و سطح تحصیلات در نوع پاسخدهی افراد به هر یک از گویه‌های حیطه روانشناختی کتاب فارسی دوم ابتدایی تاثیر نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

سوال اصلی پژوهش: بررسی میزان رعایت اصول روانشناختی در کتاب فارسی دوم ابتدایی به چه میزان بوده است؟ و در ادامه تاثیر متغیرهای جمعیت شناختی در حیطه روانشناختی بررسی شد.

نتایج حاصل از بررسی سوال پژوهشی در جدول ۱، نشان می‌دهد که میزان رعایت جنبه روانشناختی کتاب درسی فارسی دوم ابتدایی، از دیدگاه معلمان زن پایه دوم ابتدایی در شهرهای اصفهان و تهران، برابر با۲/۳۰ می‌باشد که بالاتر از میانگین فرضی است و در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار می باشد و به این معناست که میزان رعایت معیارهای جنبه روانشناختی درکتاب فارسی در سطح بالایی قرار دارد. با توجه به جدول۱، بیشترین گویه‌ای را که پاسخ دهندگان ضعیف ارزیابی کرده‌اند، گویه چهارم، تناسب مطالب برای تقویت خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان و هفتم بیان پیش سازمان دهنده در ابتدای هر فصل است، به نظر می‌رسد که علت ضعیف بودن گویه چهارم در تنظیم مطالب اصلی کتاب است که بیشتر به ارایه کلیات می‌پردازد و ذهن را برای فعالیت و تلاش محدود می‌سازد و علت ضعیف بودن گویه هفتم این است که، در طراحی کتاب فارسی به شیوه مستقیم مطالب ارائه نمی‌شود یعنی در ابتدای مقدمه، توضیحات اولیه ارائه نمی‌شود و رشد ذهنی و تلاش فکری دانش‌آموزان تقویت نشده است. بنابراین با توجه به نتایج حاصل از پرسشنامه، می‌توان نتیجه گرفت که جنبه روانشناختی در کتاب درسی فارسی در سطح بسیار بالایی رعایت شده است. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس، در جدول ۲ تا ۴ نشان می‌دهد که از میان عوامل جمعیت شناختی، در نوع پاسخدهی معلمان به جنبه روانشناختی کتاب درسی فارسی تفاوت معناداری نبوده است و نظرات معلمان یکسان هستند.

از آنجایی که این پژوهش در رابطه با کتاب درسی خاصی انجام شده، پژوهش‌های مرتبط به صورت کلی مطرح شده است و نتایج پژوهش حاضر، با پژوهش‌های عابدینی (۱۳۸۲)، ابراهیم‌کافوری (۱۳۸۹)، عابدینی و نیلی احمد آبادی (۱۳۹۳) همخوانی دارد. یافته‌های پژوهشی عابدینی(۱۳۸۲)، با عنوان نظریه‌ای شناختی درباره یادگیری از کتاب‌های درسی و کاربرد آن، نشان می‌دهد که نظریه یاد شده، اذعان می‌دارد که فراگیران با اطلاعات حاصل از متن درسی، برای خود بازنمودی ذهنی می‌سازند، و در این راه از عواملی چون اطلاعات پیشین و شناخت روشی خود، به اضافه عناصر محتوایی و دستورهای موجود در ساخت متن درسی، بهره می‌گیرند.

یافته‌های پژوهشی ابراهیم‌کافوری (۱۳۸۹)، با عنوان تدوین و اعتبار سنجی الگویی برای ارزشیابی کتاب‌های درسی براساس رویکرد روانشناسی یادگیری و تربیتی نشان می‌دهد که نتیجه حاصل از این بررسی یک الگوی ارزشیابی است که به دو صورت مفهومی و شمایی ارائه شده است که شامل مبانی نظری، رویکرد مدل، اهداف مدل و معیارها و مولفه ها، اصول روانشناختی، مراحل اجرایی و بازخورد است. همه تجزا مدل به صورت تعاملی با هم ارتباط دارند و از آن به عنوان یک راهنما و نقشه کار می‌توان استفاده کرد.

یافته‌های پژوهشی عابدینی و نیلی احمد آبادی (۱۳۹۳)، با عنوان تحلیل جایگاه سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد نوین یادگیری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که نتایج حاصل ازتجزیه و تحلیلداده‌ها نشان می‌دهد که به مؤلفه تعامل گروهی بیش ازسایر مؤلفه‌ها توجه شده و کمترین میزان توجه و اهمیت مربوط به مؤلفه‌های توجه به محیط فیزیکی یادگیری وتوجه به ارزشیابی به عنوان ابزاری جهت بهبود فرآیند یادگیری است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

منابع

ابراهیم کافوری، اکرم. (۱۳۸۹). تدوین و اعتبار سنجی الگویی برای ارزشیابی کتاب‌های درسی براساس رویکرد روانشناسی یادگیری و تربیتی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴، ۹۲-۶۱.

اولسون، متیو و هرگنهان، بی. آر. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه: سیف، علی اکبر. تهران: انتشارات دوران.

بهمئی، لیلا و ملحانی، پریوش. (۱۳۸۹). طراحی آموزشی(مفاهیم، رویکردها و راهبردها). تهران: انتشارات آراد کتاب.

حسن‌مرادی، نرگس. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آییژ.

رون، سید امیر و معافی، محمود. (۱۳۹۲). مبانی، اصول و روش علمی تالیف کتاب‌های درسی (با تاکید بر دوره ابتدایی). تهران: انتشارات جامعه شناسان.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.

فتحی واجارگاه، کورش و آقازاده، محرم. (۱۳۸۹). راهنمای تالیف کتاب درسی. تهران: انتشارات آییژ.

فاطمی امین، زینب و فولادیان، مجید. (۱۳۸۸). نظام آموزشی و بازدهی آموزشی، مطالعه تطبیقی ۷۰ کشور جهان. راهبرد فرهنگ، ۷، ۱۳۰-۱۰۳.

فیاض، ایراندخت. (۱۳۸۷). بررسی فرا تحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های اسلامی-ایرانی. مجله فرهنگ و علم، ۱، ۴۰-۱۱.

عابدی کرجی‌بان، زهره. (۱۳۹۲). مبانی و اصول طراحی و تالیف کتاب درسی مدارس. تهران: انتشارات مدرسه.

عابدینی، آفاق. (۱۳۸۲). نظریه شناختی درباره یادگیری از کتاب‌های درسی و کاربرد آن: بازنویسی کتاب‌های درسی به منظور یادگیری بهتر، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها، ۷۵،۲۰-۹۴.

عابدینی بلترک، میمنت و نیلی احمدآبادی، محمدرضا. (۱۳۹۳). تحلیل جایگاه سازنده‌گرایی به عنوان رویکرد نوین یادگیری در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۳، ۱۷-۶.

نوریان، محمد. (۱۳۸۹). تحلیل برنامه‌های درسی دوره ابتدایی ایران. تهران: انتشارات گویش نو.

نیک نفس، علی و علی آبادی، خدیجه. (۱۳۹۲). نقش تحلیل محتوا در فرایند آموزش. مجله جهانی رسانه،۱۶،۱۵۰-۱۲۴.

Owen, J. L,. and Others .(2007). Content analysis of the treatment of inform active and reinforcing feedback in contemporary communication theory textbook, *American Communication Journal*, Allrights Reserved issn: 1532-5865 Copy right.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-28]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1398.8.6.16.2]